



وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به تأثیر تغییر قیمت جهانی مواد اولیه از جمله ذرت، بر هزینه تولید مرغ اظهار کرد: قیمت نهایی هنوز مشخص نشده و پس از بررسی هزینه ها اعلام خواهد شد. غلامرضا نوری قزلبچه در حاشیه بیست و پنجمین نمایشگاه دام و طیور، با اشاره به دستاورد های بخش کشاورزی در سال گذشته اظهار کرد: در شرایطی که کشور با چالش های متعددی از جمله جنگ، تحریم، محاصره و خشکسالی در بخشی از سال زراعی گذشته مواجه بود، به لطف خداوند و با تلاش تولیدکنندگان، دستاورد های خوبی در بخش کشاورزی حاصل شد. وزیر جهاد کشاورزی در پاسخ به پرسشی درباره احتمال افزایش قیمت مرغ به ۴۰۰ هزار تومان در روز های آینده گفت: قیمت محصولات بر اساس هزینه تمام شده تولید و به حضور سازمان حمایت، تشکیل های مربوطه و وزارتخانه تعیین می شود. در اواخر سال گذشته و پس از آزاد سازی قیمت نهاده ها، قیمت مرغ در حدود ۳۷۰ هزار تومان تعیین شده بود. با توجه به تغییرات قیمت جهانی مواد اولیه، از جمله ذرت، این تغییرات بر قیمت متعادل نهایی محصول اثر خواهد گذاشت. نوری قزلبچه با بیان اینکه رقم نهایی هنوز مشخص نشده است، تأکید کرد: بخشی از افزایش احتمالی قیمت به تغییر هزینه های تولید مربوط می شود، اما تا زمانی که بررسی ها نهایی نشده، نمی توان عدد دقیقی اعلام کرد. وی در پاسخ به پرسشی درباره مطالبات باقی مانده نیز اظهار کرد: کمتر از پنج درصد از مطالبات باقی مانده و از نظر تأمین منابع مالی برای پرداخت آن مشکلی وجود ندارد. وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به اینکه بخشی از فرایند باقی مانده به عملیات حسابداری و مشکلات سامانه ای مربوط است، گفت: این موضوع با همکاری سازمان برنامه و بودجه و همکاران در شرکت بازرگانی دولتی در حال پیگیری است. نوری قزلبچه ابراز امیدواری کرد که عملیات حسابداری ظرف چند روز آینده و حداکثر تا یک هفته به پایان برسد و پرداخت مطالبات انجام شود.

ادامه فروش در بانک ها

در پی انتشار شایعاتی درباره توقف فروش ارز با کارت ملی و پایان عرضه سه سیمیه ۱۰ هزار دلاری به متقاضیان، بررسی ها نشان می دهد این طرح همچنان در چارچوب ضوابط اعلام شده دنبال می شود. طرح عرضه ارز تا سقف ۱۰ هزار دلار برای هر فرد بالای ۱۸ سال، از ۱۱ مهرماه آستانالهدی با هدف افزایش عرضه اسکناس ارز و مدیریت نوسانات بازار آغاز شد؛ طرحی که در چارچوب برنامه بانک مرکزی برای عرضه تا دو میلیارد دلار اسکناس به بازار ارز طراحی شده است.

بر اساس اعلام بانک مرکزی، در مرحله نخست این برنامه، یک میلیارد دلار از طریق شعب منتخب بانک ها و صرافی های بانکی در سراسر کشور عرضه شد. در ابتدا چهار بانک ملت، تجارت، صادرات و سامان در این طرح حضور داشتند و بانک ملی نیز از ۱۲ مهرماه به بانک های عرضه کننده ارز اضافه شد.

به این ترتیب، پنج بانک ملت، ملی، تجارت، صادرات و سامان در چارچوب برنامه جدید ارزی، امکان فروش ارز به متقاضیان واجد شرایط را فراهم کردند و مطابق ضوابط اعلام شده، افراد بالای ۱۸ سال ایرانی می توانند با ارائه کارت ملی تا سقف ۱۰ هزار دلار ارز خریداری کنند.

پیش از اجرای این طرح، تأمین ارز اسکناس برای نیازهای ضروری اشخاص حقیقی ایرانی مقیم بالای ۱۸ سال، در فصل موسوم به کد ۵۶، با سقف سالانه هزار یورو یا معادل آن به سایر ارزها انجام می شد؛ رقمی که با توجه به نرخ تبدیل ارز، تقریباً معادل ۱۱۰۰ دلار بود.

با این حال، عرضه جدید ۱۰ هزار دلاری را باید در چارچوب برنامه ویژه بانک مرکزی برای افزایش عرضه اسکناس ارز و مدیریت بازار بررسی کرد. در واقع، این اقدام در شرایطی اجرایی شد که بانک مرکزی از برنامه خود برای عرضه گسترده تر ارز و پاسخگویی به تقاضای موجود از مسیر رسمی خبر داده بود.

بر اساس اطلاعیه بانک مرکزی، هدف از این برنامه، افزایش عرضه ارز در بازار و مدیریت نوسانات نرخ ارز عنوان شده و رئیس کل بانک مرکزی نیز در اظهارات خود درباره تحولات بازار از بر نقش انتظارات تورمی و عوامل روانی در افزایش نرخ ها تأکید کرده و از اقدامات این بانک برای مدیریت بازار سخن گفته بود.

اکنون، چند هفته پس از آغاز اجرای طرح ۱۰ هزار دلاری، خبرهایی درباره توقف فروش ارز با کارت ملی منتشر شده است؛ اخباری که در صورت صحت می توانست بر انتظارات متقاضیان و برداشت فعالان بازار از سیاست ارزی بانک مرکزی اثر بگذارد.

با این حال، توقف این طرح تأیید نشده و بر اساس اعلام بانک مرکزی، عرضه ارز در چارچوب برنامه اعلام شده ادامه دارد. همچنین بانک ملی ایران در اطلاعیه ای که ۱۴ مهرماه منتشر کرد، از تاووم فروش اسکناس دلار با کارت ملی تا سقف ۱۰ هزار دلار برای اشخاص حقیقی بالای ۱۸ سال واجد شرایط خبر داد و امکان ثبت غیرحضور

درخواست خرید ارز از طریق پیام رسان «بله» و دریافت آن از شعب منتخب را نیز اعلام کرد.

در مجموع، طرح عرضه ۱۰ هزار دلار با کارت ملی بخشی از برنامه بانک مرکزی برای افزایش عرضه اسکناس و مدیریت نوسانات بازار ارز است.

خواهد رسید. در این راستا می توان اینگونه تحلیل کرد که: بخشی از پیگیری ها و رفت و آمد های دیپلماتیک اخیر، ناشی از نگرانی واقعی کشورهای منطقه از گسترش درگیری هاست و نمی توان همه این تحولات را صرفاً ترندی برای کاهش قیمت نفت دانست.

انرژی و تنش های اروپا

مظفری درباره موضوع تنش های ایجاد شده در کشورهای اروپایی و احتمال ارتباط آنها با بحران انرژی و افزایش قیمت ها گفت: قطعاً وقتی شرایط به سمتی می رود که افق پیش روی آن ناپیداست، این موضوع منجر به ناآرامی می شود. او توضیح داد: حتی اگر تحولات و افزایش قیمت ها در کوتاه مدت تأثیر مستقیمی بر آسایش مردم نداشته باشد، نامشخص بودن آینده می تواند آرامش روانی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

به گفته مظفری، پرسش هایی مانند اینکه قیمت ها تا چه زمانی افزایش پیدا می کنند، تا چه اندازه بالا می روند و در نهایت این تحولات به کجا ختم می شوند، به طور طبیعی نگرانی روانی در جوامع مختلف ایجاد می کند و می تواند زمینه ساز افزایش تنش های اجتماعی در کشورهای مختلف، از جمله کشورهای اروپایی، شود. او معتقد است: پیامدهای بحران انرژی تنها به هزینه های اقتصادی محدود نمی شود و ابهام و نسیب به آینده نیز می تواند بر فضای اجتماعی و آرامش عمومی کشورها اثر بگذارد.

فشار اروپا به آمریکا یا ایران؟

در این بین برخی از روسای جمهور و مسئولان کشورهای اروپایی درگیر تنش های اجتماعی، جنگ ایران و آمریکا و گرانی بنزین را به عنوان دلیل اصلی مشکلات اقتصادی این کشورها و اعتراضات مرفی کرده اند. اینکه آیا این امری می تواند وزن فشار علیه ترامپ به عنوان آغازگر و تشدیدکننده تنش ها و جنگ در منطقه را به عنوان یک اهرم فشار زیاد کند، یا ترامپ و همپیمانانش این موضوع را با فشارسازی علیه ایران به عنوان عامل تنش به کار برند. مظفری در این باره گفت: قطعاً ایران باید با مدیریت مطلوب و بهره گیری از دیپلماسی مناسب و استفاده از فضای رسانه ای و مجازی شرایط را به نحو خود برگرداند تا ثابت کند به واقع خودمحوری و سیاست های مداخله جویانه ترامپ عامل تنشها در منطقه و همچنین مشکلات در بخش اقتصادی و انرژی است که سیگنال های آن به کشورهای دیگر از جمله اروپا هم سرایت کرده است.



کاهش قیمت نفت دانست. او تأکید کرد: تنش جدی است، به صورت جدی وارد نبرد شده ایم و ما هم، همان طور که آنها شرایط را سخت می کنند، مجبوریم در کنار بعد نظامی، در بعد اقتصادی هم مبارزه کنیم.

به گفته مظفری، بخشی از این تقابل به تلاش برای اعمال کنترل بیشتر بر تنگه هرمز و در نهایت تأثیرگذاری بر قیمت نفت مربوط می شود. او با اشاره به فشارهای اقتصادی وارد شده بر ایران گفت: طرف مقابل از همه ابزارهای خود برای اعمال فشار استفاده می کند و ایران را نیز در چنین شرایطی ناگزیر است از ابزارهای در اختیار خود بهره بگیرد.

ادامه مذاکرات

مظفری خاطرنشان کرد: بخشی از این تحرکات ممکن است صرفاً با هدف تحریک فضای رسانه ای از سوی آمریکا انجام شود، اما همه این اقدامات را نمی توان در همین چارچوب تحلیل کرد؛ چرا که کشورهای دیگر نیز از شرایط منطقه ای و پیامدهای احتمالی جنگ نگران هستند. او با یادآوری اینکه برخی کشورها در گذشته از حمله به ایران حمایت می کردند، افزود که اکنون شرایط به گونه ای تغییر کرده است که این کشورها دریافته اند در صورت وقوع جنگ، ایران تنها کشوری نخواهد بود که در معرض آسیب و تنش و پیامدهای ناشی از آن قرار می گیرد.

به گفته او، ایران نشان داده است که اگر درگیری گسترش پیدا کند، جنگ به یک کشور محدود نخواهد ماند و به تعبیر او، همان طور که امام شهید نیز فرموده بودند، جنگ منطقه ای خواهد شد و پیامدهای آن به سطح جهانی

بخشی از جنگی که الان ما داریم، منهای نبرد نظامی، جنگ اقتصادی است و در کنار هر دو، یک پیوست رسانه ای خیلی قوی وجود دارد. شکی نیست، البته ترامپ بیش از بسیاری از عرصه های دیگر، از طریق توییت ها و فضای رسانه ای به دنبال پیشبرد اهداف خود است و در این زمینه نقش رسانه ها در شکل دهی به افکار عمومی و تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی و اقتصادی قابل توجه است.

او با اشاره به نحوه مواجهه مسئولان ایرانی با این فضا سازی ها افزود: در مقطعی، از جمله در دوره ای که شهید لاریجانی حضور داشتند و پس از آن، آقای قالیباف در عرصه جنگ رسانه ای با اظهارات ترامپ پاسخ داده اند و در همین چارچوب، فضا سازی های رسانه ای نیز شکل گرفته است.

مظفری با تأکید بر ضرورت پذیرش واقعیت های موجود

در این عرصه اظهار کرد: ما باید بپذیریم که در فضای

رسانه ای، حداقل در سطح جهانی، نسبتاً ضعیف تر

هستیم. این را باید بپذیریم. قطعاً ایران باید از ظرفیت های

موجود در فضای رسانه ای حداکثر استفاده را ببرد و تا جایی

که امکان دارد، در این عرصه فعالانه عمل کند.

افزایش ضربی جنگ

این نماینده ادوار مجلس با اشاره به رفت و آمدهای دیپلماتیک اخیر تصریح کرد: آمریکا طبیعتاً به دنبال آن است که با فضا سازی و رفت و آمدهای سیاسی و دیپلماتیک بر قیمت نفت اثر بگذارد، اما تشدید این رفت و آمدها در روزهای اخیر را نمی توان صرفاً اقدامی رسانه ای برای

پشت پرده ناترازی انرژی؛ ضعف زیرساخت ها و غفلت از بهره‌وری

لزوم صرفه جویی از مبدا



حوراسادات گوهری

فرسودگی زیرساخت ها، بازدهی پایین برخی نیروگاه ها و هدررفت آب در شبکه های انتقال، ضرورت بازنگری در شیوه مدیریت انرژی کشور را برجسته کرده است؛ موضوعی که با هوشمندسازی مصرف، استفاده از ظرفیت شرکت های دانش بنیان، اصلاح زیرساخت ها و ایجاد مشوق های اقتصادی برای سرمایه گذاری در بهینه سازی قابل پیگیری است.

برای جبران کمبود انرژی، نخستین راهی که معمولاً به ذهن می رسد، افزایش تولید است؛ نیروگاه های بیشتر، ظرفیت بالاتر و سرمایه گذاری جدید. اما پیش از آنکه منابع تازه ای برای تولید انرژی هزینه شود، یک سؤال اساسی مطرح است: آیا از ظرفیت موجود به اندازه کافی استفاده می کنیم؟ نیروگاهی که با رانندمان پایین فعالیت می کند، شبکه ایی که به دلیل فرسودگی بخشی از منابع را از دست می دهد، ساختمان های با تجهیزات قدیمی انرژی مصرف می کند و کارخانه ای که برای تولید یک محصول به انرژی بیشتری از حد استاندارد نیاز دارد، همگی بخشی از مسئله ای هستند که گاهی زیر عنوان کلی «ناترازی انرژی» پنهان می مانند. در چنین شرایطی، مسئله فقط کمبود منابع نیست؛ بخشی از مشکل به نحوه استفاده از منابع موجود بازمی گردد. این موضوع به ویژه در شرایطی اهمیت دارد که تأمین انرژی، هزینه های اقتصادی و نیاز به حفظ پایداری تولید، هم زمان بر سیاست گذاری کشور فشار وارد می کنند. احسان غلیمیری را، محمد معتمدی زاده و زهرا خداداد، از سه نماینده مجلس، بر ضرورت استفاده از فناوری های جدید، اصلاح زیرساخت ها، مشارکت بخش خصوصی و ایجاد مشوق های اقتصادی برای کاهش هدررفت انرژی تأکید کردند؛ رویکردی که می تواند بهینه سازی را از یک توصیه عمومی به برنامه ای اجرایی و قابل ارزیابی تبدیل کند.

نیروگاه ها؛ ظرفیت تولید بدون بهره‌وری کافی

یکی از بخش هایی که در بررسی بهره‌وری انرژی باید مورد توجه قرار گیرد، عملکرد نیروگاه هاست. ساخت ظرفیت جدید تولید برق بدون رسیدگی به وضعیت فنی نیروگاه های موجود و کیفیت تعمیر و نگهداری آنها، ممکن است هزینه های بیشتری بر کشور تحمیل کند؛ در حالی که بخشی از ظرفیت فعلی نیز به طور کامل مورد استفاده قرار نمی گیرد. احسان غلیمیری را، رئیس کمیته بهره‌وری و نظارت بر اجرای قانون جهش تولید دانش بنیان مجلس، با انتقاد از وضعیت نگهداری برخی نیروگاه ها، گفت که ضعف در انجام به موقع تعمیرات اساسی و اورهال می تواند بر تولید بهینه برق اثر بگذارد. وی با اشاره به رانندمان برخی نیروگاه ها اظهار کرد که تعدادی از آنها با رانندمان کمتر از ده درصد برق تولید می کنند و این موضوع باید مورد توجه قرار گیرد. این نماینده مجلس همچنین نسبت به شیوه مدیریت برخی نیروگاه های و آگدا شده به مجموعه هایی که از نظر او خصوصی سازی واقعی در آنها محقق نشده است، انتقاد کرد و ضعف در تعمیر و نگهداری را یکی از مشکلات این حوزه دانست. آنچه از این اظهارات برمی آید، ضرورت ارزیابی دقیق عملکرد نیروگاه هاست. میزان آمادگی تولید، رانندمان تجهیزات، زمان بندی تعمیرات و هزینه تمام شده برق از جمله شاخص هایی هستند که می توانند مبنای سنجش عملکرد قرار گیرند. اگر مشخص شود چه میزان از ظرفیت تولید به دلیل نقص فنی، تأخیر در تعمیرات یا مدیریت نامناسب از دست می رود، امکان اولویت بندی سرمایه گذاری ها نیز فراهم تر خواهد شد. به بیان دیگر، مدیریت انرژی فقط به معنای افزودن ظرفیت جدید نیست؛ حفظ و استفاده مؤثر از ظرفیت موجود نیز بخشی از راه حل است.

شرکت های دانش بنیان؛ ظرفیت داخلی برای کاهش مصرف

غلیمیری را د معتقد است یکی از ظرفیت های مهم کشور برای عبور از مشکلات انرژی، توان شرکت های فناور و دانش بنیان است. به گفته وی، شرکت هایی در داخل کشور فعالیت می کنند که در حوزه هوشمندسازی صنعت برق، نفت، گاز و آب و بهینه سازی مصرف راهکارهایی ارائه داده اند. اما استفاده از این توان باید در سیاست گذاری دستگاه های مسئول جدی تر دنبال شود. وی تأکید کرد که نباید همواره برای تأمین تجهیزات مورد نیاز به خرید از خارج متکی بود و می توان از ظرفیت نیروهای متخصص و شرکت های داخلی برای حل مشکلات کشور استفاده کرد. هوشمندسازی می تواند در بخش های مختلف، از کنترل تجهیزات صنعتی تا مدیریت سیستم های سرمایشی و گرمایشی ساختمان ها، به کاهش مصرف غیرضروری کمک کند. برای نمونه، سامانه های کنترل هوشمند می توانند روشنایی، دما یا عملکرد تجهیزات را بر اساس میزان نیاز تنظیم کنند و مانع ادامه مصرف در شرایطی شوند که ضرورتی برای آن وجود ندارد. البته بهره‌گیری از فناوری زمانی نتیجه بخش خواهد بود که تجهیزات بر اساس نیاز واقعی انتخاب شوند، هزینه نصب و نگهداری آنها تأمین شود و میزان صرفه جویی پس از اجرا مورد ارزیابی قرار گیرد. صرف نصب تجهیزات هوشمند، بدون سنجش نتایج، تصمیمی برای کاهش مصرف نیست.

بهینه سازی چگونه به یک فعالیت اقتصادی تبدیل می شود؟

یکی از چالش های اجرای برنامه های بهینه سازی، تأمین هزینه اولیه است. نوسازی تجهیزات، اصلاح سیستم های سرمایشی و گرمایشی یا تغییر فناوری خطوط تولید، به سرمایه گذاری نیاز دارد؛ سرمایه ای که ممکن است برای بسیاری از خانوارها و واحدهای اقتصادی به راحتی قابل تأمین نباشد. زهرا خدادادی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، معتقد است برای عبور از این مانع باید انگیزه اقتصادی ایجاد شود. به گفته وی، وقتی سرمایه گذار بداند کاهش مصرف انرژی برای او بازگشت اقتصادی

دارد، بهینه سازی از یک تکلیف اداری به یک تصمیم اقتصادی تبدیل می شود. خدادادی بر استفاده از مشوق های هدفمند، تسهیلات و سازوکارهای تأمین مالی برای جذاب کردن سرمایه گذاری در بهره‌وری انرژی تأکید کرد. وی در عین حال گفت که مشوق ها باید در کنار استانداردها و نظارت قرار گیرند؛ زیرا نمی توان از یک سو خواستار کاهش مصرف بود و از سوی دیگر اجازه داد تجهیزات پرمصرف و ساختمان های غیربهینه بدون محدودیت به فعالیت ادامه دهند.

این دیدگاه نشان می دهد که سیاست بهینه سازی تنها با صدور دستورالعمل به نتیجه نمی رسد. اگر برای اصلاح تجهیزات، سرمایه گذاری و کاهش مصرف، سازوکاری اقتصادی وجود داشته باشد، انگیزه بیشتری برای مشارکت ایجاد می شود. در مقابل، نبود تأمین مالی یا نامشخص بودن بازگشت سرمایه می تواند اجرای پروژه های ضروری را به تأخیر بیندازد.

گواهی صرفه جویی؛ ورود بخش خصوصی به مدیریت انرژی

محمد معتمدی زاده، عضو هیئت رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، به تجربه فعالیت شرکت های کارگزار در حوزه بهینه سازی مصرف گاز اشاره کرد و گفت که این شرکت ها با استاندارد ۴۰۶ قانون برنامه هفتم توسعه در منازل و واحدهای صنعتی برای کاهش مصرف فعالیت می کنند. به گفته وی، بر اساس میزان صرفه جویی حاصل شده، گواهی صرفه جویی صادر می شود که امکان معامله در بورس را نیز دارد. معتمدی زاده با اشاره به تجربه این حوزه نقل کرده است، میزان هدررفت آب در این حوزه در شمار زیادی از استان ها پیگیر اجرای چنین برنامه هایی هستند. اهمیت این سازوکار در آن است که صرفه جویی می تواند ارزش اقتصادی پیدا کند و شرکت ها برای شناسایی و اجرای طرح های کاهش مصرف انگیزه داشته باشند. به جای آنکه تمام هزینه های بهینه سازی مستقیماً بر عهده دولت باشد، بخشی از ظرفیت اجرایی و سرمایه گذاری بخش خصوصی نیز وارد این حوزه می شود. با این حال، موفقیت چنین طرح هایی به اندازه گیری دقیق میزان صرفه جویی، شفافیت در صدور گواهی ها و اطمینان از واقعی بودن کاهش مصرف وابسته است. همچنین باید مشخص باشد که صرفه جویی ثبت شده تا چه اندازه پایدار است و چگونه می توان از دوباره کاری یا محاسبه چندباره یک میزان کاهش مصرف جلوگیری کرد. معتمدی زاده تأکید کرد که این ظرفیت باید در حوزه برق و آب نیز مورد توجه قرار گیرد. به این ترتیب، تجربه مدیریت مصرف گاز می تواند زمینه ای برای بررسی و توسعه روش های مشابه در دیگر بخش ها باشد.

آب؛ هزینه ای که پیش از رسیدن به مصرف کننده هدر می رود

بهره‌وری منابع، تنها به برق و گاز محدود نیست. در بخش آب نیز بخشی از مسأله به شیوه مصرف و بخشی دیگر به وضعیت شبکه های انتقال و توزیع بازمی گردد. غلیمیری را د با اشاره به سهم بالای کشاورزی در مصرف آب کشور، بر ضرورت هوشمندسازی سامانه های آبیاری، استفاده از روش های نوین و مکانیزه کردن توزیع آب تأکید کرد. وی همچنین استفاده از سبب در موارد مناسب را از جمله راهکارهایی دانست که می تواند به مدیریت بهتر منابع کمک کند. این نماینده مجلس با اشاره به هدررفت آب در شبکه های انتقال گفت که بر اساس آمارهایی که از مسئولان این حوزه نقل کرده است، میزان هدررفت آب در مشهد ۲۳ درصد و در استان خراسان رضوی ۳۲ درصد است. وی نوسازی لوله های فرسوده را یکی از راه های کاهش این اتلاف عنوان کرد. این ارقام، بنا بر اظهارات این نماینده مجلس، ضرورت بررسی وضعیت شبکه های انتقال آب را برجسته می کند؛ هرچند تعیین دقیق میزان هدررفت و اولویت پروژه های اصلاحی، به داده های رسمی و به روز دستگاه های مسئول نیاز دارد. در بخش کشاورزی نیز تغییر روش آبیاری، به تنهایی و بدون دسترسی به تجهیزات، منابع مالی و آموزش کافی محقق نمی شود. اجرای برنامه های بهینه سازی باید با توجه به شرایط کشاورزان و ویژگی های هر منطقه انجام گیرد تا کاهش مصرف آب با حفظ بهره‌وری تولید همراه شود.

هماهنگی دستگاه ها؛ شرط عبور از مدیریت پراکنده

یکی دیگر از محورهای مورد تأکید نمایندگان، ضرورت هماهنگی میان دستگاه های مسئول است. معتمدی زاده با اشاره به پیگیری موضوع انرژی در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفت که این کمیسیون جلسات متعددی درباره برق، گاز، آب و دیگر مسائل مرتبط برگزار کرده است. وی هماهنگی میان وزارتخانه ها و نهادها و مختلف را یکی از موضوعات مهم دانست و بر اجرای قانون برنامه هفتم توسعه و کاهش هدررفت در شبکه ها تأکید کرد. خدادادی نیز معتقد است دستگاه های حاکمیتی باید میزان مصرف خود را شفاف کنند و برای کاهش مصرف ساختمان ها و تجهیزات تحت مدیریتشان برنامه عملیاتی داشته باشند. این اقدام، علاوه بر کاهش احتمالی مصرف، امکان ارزیابی عملکرد دستگاه ها را فراهم می کند. در واقع، وقتی پروژه های بهینه سازی به صورت پراکنده اجرا شوند و مسئولیت هر دستگاه یا نتیجه هر اقدام روشن نباشد، سنجش میزان موفقیت دشوار خواهد بود. تعیین اهداف مشخص، انتشار گزارش عملکرد و ارزیابی مستقل نتایج می تواند به مشخص شدن میزان پیشرفت برنامه ها کمک کند.

بهینه سازی؛ مکمل تولید و نه جایگزین آن

مجموع دیدگاه های این سه نماینده مجلس نشان می دهد که بهینه سازی مصرف انرژی زمانی اثربخش است که همزمان با توسعه ظرفیت تولید دنبال شود. نه می توان افزایش تولید را تنها پاسخ ناترازی دانست و نه می توان با کاهش مصرف، نیاز به نوسازی زیرساخت ها و سرمایه گذاری جدید را نادیده گرفت. تعمیر و نگهداری نیروگاه ها، هوشمندسازی تجهیزات، مشارکت شرکت های دانش بنیان، ایجاد انگیزه اقتصادی برای سرمایه گذاری، کاهش هدررفت آب و هماهنگی میان دستگاه های مسئول، اجرای یک برنامه واحد هستند. هر یک از این اقدامات به تنهایی بخشی از مسأله را پوشش می دهد، اما تأثیر اصلی زمانی حاصل می شود که در قالب برنامه ای منسجم اجرا شوند. در نهایت، مسأله فقط این نیست که کشور به دلیل بیشتی نیاز دارد؛ بلکه باید روشن شود از منابع و ظرفیت های موجود چه میزان استفاده می شود و چه مقدار از آنها به اثری ضعف فناوری، فرسودگی زیرساخت ها یا مدیریت ناکا آمد از دست می رود. تبدیل بهینه سازی به یک برنامه ملی، مستلزم آن است که اهداف کاهش مصرف قابل اندازه گیری باشند، منابع مالی تأمین شود، بخش خصوصی و شرکت های دانش بنیان امکان مشارکت داشته باشند و دستگاه های مسئول درباره نتایج اقدامات خود پاسخگو باشند. در این صورت، صرفه جویی از توصیه ای عمومی فراتر می رود و به ابزاری برای کاهش هزینه ها، حفظ منابع ملی و تقویت توان تولید کشور تبدیل می شود.